ایران
دیپلماتیک
سال دهم ـ شماره ۳۰۱۳
سه شنبه ۸ دی ماه ۱۳۸۳
۱۵ ذیقعده ۱۴۲۵
IRAN -NO.3013,Dec.28, 2004
ISSN 1027 - 1449
Keytitle: IRAN (Tehran)

عراق ۲۰۰۴، زندگی در سایه اشغال

صفحه ۱۲

نهادسازی قدرت در افغانستان

صفحه ۱۳

شرق آسیا در سال ۲۰۰۳

صفحه ۱۴

«محمد البرادعی» از خبرسازترین چهره های سال ۲۰۰۴ میلادی

بازرس ارشد

جلال برزگر

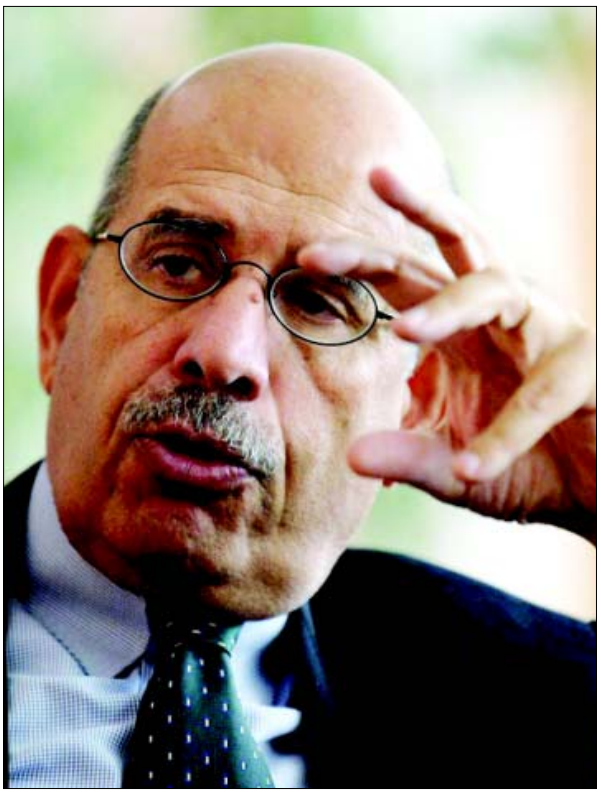

خبر شنود مکالمات تلفنی «محمدالبرادعی» مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی با دیپلمات ها و مسؤولین ایرانی توسط آمریکایی ها ، بار دیگر ،نام البرادعی را در کانون توجه محافل خبر و سیاست قرار داد، بدین ترتیب تداوم تکرار این نام در سال ۲۰۰۴ میلادی حتی تا آخرین روزهای این سال نیز ادامه یافت.

بدون شک، محمد البرادعی از جمله چهره های مورد توجه وخبرساز ۲۰۰۴ میلادی بوده است.همزمان با اوج گیری مناقشه هسته ای ایران نام این بازرس ارشد نهاد وابسته به سازمان ملل متحد،بیش از پیش بر سر زبان ها قرار گرفت، جالب این که این بازرس بلندپایه از طرف محافل قدرتمندی درهر دو سوی مناقشه، یعنی ایران و آمریکا تاکنون موردانتقاد واتهام های تندی قرار گرفته است. اگر روزی در ایران ، برخی او را «مأمور خاکستری» و «فرستاده ویژه واشنگتن» معرفی کردند، همزمان ، زمزمه هایی از طرف افراد آگاه به گوش می رسید که عدم ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد (چنانچه آمریکایی ها می خواستند) موقعیت البرادعی را برای تصدی سومین باره سمت مدیر کل آژانس به جد در مخاطره خواهدافکند. حال از پس فراز و فرودهایی چند در پرونده هسته ای ایران، ناظران خبر اختصاصی روزنامه «واشنگتن پست» مبنی بر شنود مکالمات آقای مدیریت را آغاز اجرایی شدن پروژه حذف البرادعی از آژانس اتمی توسط آمریکا می دانند. هرچند، بنا بر همین خبر، در مکالمات او نکته خاصی به دست نیامده اما تحلیل محتوای این مکالمات از نظر آمریکایی ها مشکوک، هنوز در جریان است.

رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره استراق سمع تلفن های وی توسط آمریکا گفته است: این اقدام نقض حریم خصوصی من بوده و مهمتر این که حق سازمان های بین المللی برای کار مستقل زیر پا گذاشته شده است، با همه اینها چیزی برای پنهان کردن ندارم. پیش ازاین، روزنامه «واشنگتن پست» در گزارشی اعلام کرده بود که مقامهای آمریکایی تماس های تلفنی البرادعی ومقام های ایرانی را برای یافتن هرگونه مدارکی جهت وادار کردن وی به کناره گیری شنود می کرده اند.البرادعی که از اول دسامبر ۱۹۹۷ به سمت مدیر کلی آژانس رسید، با نادیده گرفتن مخالفت های واشنگتن اخیراً اعلام کرده است که می خواهد برای دور سوم دبیر کلی آژانس وارد رقابت شود.

وی در گفت وگو با شبکه «العربیه» اظهار داشت: من تصمیم دارم به کار ادامه دهم، چرا که برخی کشورها از من چنین درخواستی داشته اند. این بدان معنا است که آنها با سیاست های من که براساس بی طرفی و استقلال است موافقند.

پیش از تأمل بر سیاست والگوی حرفه ای مرد خبر ساز سالهای اخیر و یکی از چند چهره طراز اول مطرح در عرصه بین الملل در سال گذشته میلادی نگاهی خواهیم داشت به سوابق و بیوگرافی او.

● البرادعی کیست؟

دکتر «محمد البرادعی» در ژوئن سال ۱۹۴۲ در قاهره متولد شد. پدرش «مصطفی البرادعی» وکیل ورئیس یک انجمن حقوقی درمصر بود، محمد سال ۱۹۶۲ از دانشگاه قاهره لیسانس حقوق گرفت و در سال ۱۹۷۴ دکترای حقوق بین الملل را از دانشگاه نیویورک اخذ کرد، او تاکنون دکترای افتخاری دانشگاههای متعددی را به دست آورده است . او کار دیپلماتیک خود را از دوایر دولتی مصر و از سال ۱۹۶۴ شروع کرد، در دو سفر دیپلماتهای مصری به دفاتر سازمان ملل در نیویورک وژنو به عنوان عضو دایمی حضور داشت، در جریان این سفرها درباره مسائل سیاسی، منطقه ای و امور مربوط به خلع سلاح مذاکره شد. از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ ، دستیار ویژه وزیر امور خارجه مصر بود، در سال ۱۹۸۰ کار دیپلماسی را ترک کرد و عضو مؤسسه تحقیقات و مطالعات سازمان ملل در امور حقوق بین الملل شد، از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ استاد حقوق بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک بود. او همچنین عضو تعداد زیادی انجمن حرفه ای از جمله انجمن حقوق بین الملل است.

همسرش «آیدا الکاشف» استاد مدرسه بین المللی «وین» است، دخترش «لیلا» حقوقدان و وکیل است وپسرش «مصطفی» مهندس امور صوتی است ، فرزندان البرادعی ساکن لندن هستند.

در باره شایعاتی مثل آنچه روزنامه آلمانی «دی ولت» در باره همسر ایرانی او نوشت ، باید گفت: بنابراطلاع منابع موثق چندتن از اقوام سببی خانم «الکاشف» مصریانی هستند که تبار ایرانی دارند و درسالهای دور به آنجا مهاجرت کرده اند.

حقوقدان ۶۱ ساله مصری از سال ۱۹۸۴ در آژانس بین المللی انرژی اتمی آغاز به کار کرده است ، از سال ۱۹۹۳ او مدتی معاون دبیرکل آژانس در امور روابط خارجی بوده است. از اول دسامبر ۱۹۹۷ به سمت مدیرکلی آژانس اتمی رسیده و در سپتامبر ۲۰۰۱ برای بار دوم دراین سمت ابقا شده است.

از سال ۱۹۵۷ میلادی که آژانس انرژی اتمی شکل گرفت البرادعی ، چهارمین فردی است که به مدیرکلی این نهاد بین المللی رسیده است، با اینکه اصولاً آژانس از سازمان ملل متحد مستقل است و رسماً و عملاً فعالیت های آن در چارچوب جداگانه ای صورت می گیرد، اما مصوبات و گزارشهای آن برای مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد سند معتبری محسوب می شود که می توانند براساس آنها، به تصویب قطعنامه بپردازند. با آن که آژانس هیچ گونه اقتدار مستقلی برای نظارت بر برنامه های هسته ای کشورهایی که به معاهده منع تکثیر سلاح های هسته ای (ان پی تی) نپیوسته اند، ندارد، اما در مجموع امروز، بازرسان آژانس بیش از ۸۰۰ تأسیسات هسته ای را در ۱۱۰ کشور تحت بازرسی و نظارت دارند و از این رو، می توان گفت در حال حاضر در عرف بین الملل البرادعی در رأس آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) ارشدترین بازرس اتمی جهان محسوب می شود.

● متعهد به حرفه ای دشوار

درمیانه قضاوت ها و انتظارات بین المللی از البرادعی ، او سر به کار خود داشته است . در مهمترین کشاکش های بین المللی، تعهد او بیش از هرچیز به بازرس بودن و شأن حرفه ای اش بوده است. در ماجرای بحران عراق، البرادعی و نهاد مطبوع وی هرگز ادعاهای آمریکا در باره تسلیحات کشتار جمعی در عراق را تأیید نکردند و مرور زمان نیز بر درستی موضع آنها صحه نهاد و معلوم شد که در این باره بسیار اغراق صورت گرفته بود. در ماجرای پرونده پرفراز و نشیب هسته ای ایران نیز علی رغم ادعاهای آمریکا، تاکنون البرادعی در ۶ گفتار کتبی و شفاهی به این مهم اشاره کرده است که هیچ نشانه ای دال بر انحراف فعالیتهای هسته ای ایران به سمت یک برنامه تسلیحاتی وجود ندارد. این تصریح مهم در آخرین قطعنامه شورای حکام نیز آمده است. در عین حال، مدیر کل آژانس اتمی تاکنون هرگز نگفته است که ابعاد و ابهامات پرونده ایران کاملاً روشن شده است؛ او همواره با سختگیری تمام، ابراز داشته که اطلاعات بیشتری مورد نیاز است تا بتوان نسبت به صلح آمیز بودن تمام جنبه های اقدامات ایران به جامعه جهانی اطمینان بدهیم. حتی پس از روشن شدن خارجی بودن منشأ بسیاری از آلودگی های اورانیومی مهم در ایران ، البرادعی و آژانس کماکان می گویند که برای روشن شدن همه ابعاد ماجرای آلودگی ها باز هم باید همکاری بیشتری از طرف ایران و سایر کشورها صورت گیرد.

اگر عده ای در آمریکا، مدیرکل آژانس را نسبت به ایران بسیار ملایم دیده و عده ای در ایران او را مأمور و وابسته توصیف کرده اند، البرادعی به بازرس بودن به عنوان یک حرفه مقدس نگاه کرده و با تعهد تنها به حرفه، بر ناخشنودی منتقدینش از خود افزوده است. دیپلمات کهنه کار مصری در این وادی چندان چشم و گوش بسته نیز قدم برنداشته است. او گاه پا از دایره وظایف و مسؤولیتها نیز فراتر گذاشته و در ردای یک سیاستمدار، بساط گفت وگوهای سیاسی را فراهم آورده است. در سالهای اخیر از جوج بوش تا مقامات اروپایی و ایرانی و حتی کشورهای منطقه خاورمیانه طرف مذاکره او قرار گرفته اند، حتی جایی مثل قلمرو رژیم تل آویو (به واسطه عدم پذیرش ان پی تی و مسائل سیاسی و حمایت های آمریکا از این رژیم دست آژانس از اعمال نظارت بر اقدامات هسته ای اسرائیل کوتاه است) از جمله ایستگاههای سفر البرادعی بوده و او در این سفر، «آریل شارون» را به پیوستن معاهده ان پی تی دعوت کرد و البته رد این دعوت به مثابه رد دعوت یک مقام عالی رتبه نهادهای بین المللی در کارنامه شارون و رژیم او باقی خواهد ماند. در ماجرای ایران، البرادعی از اروپا به مثابه یک وزنه و اهرم سیاسی بهره برده است، اهرمی که به لحاظ شرح وظایف و مسؤولیت های مدیرکل آژانس فاقد آن است، چرا که بنا به تعریف مدیر کل تنها باید مجری سیاست های نهاد تصمیم گیر آژانس که همان شورای حکام است، باشد. بر آگاهان امر روشن است که در قضیه ایران سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس، محوری سیاسی دیپلماتیک و یاری کننده البرادعی در شورای حکام بوده اند تااو بتواند طرح کنترل و مهار بحران در عین افزایش نظارت را پیش ببرد. وقتی البرادعی پس از مذاکره با رئیس جمهوری آمریکا پیشنهاد مذاکره مستقیم ایران و آمریکا برسر مناقشه هسته ای را به ایران آورد، به طورطبیعی مورد این انتقاد قرارگرفت که بازرس را به ارائه راهکار و گوشزد سیاسی چه کار؟ اما مرور زمان و تکرار این گفته درکلام سیاستمداران اروپایی و نوع ملایم آن در سخن برخی چهره های آمریکایی و ایرانی، ثابت کرد که البرادعی یک بازرس معمولی نیست، او بازرسی ارشد و آشنا به سازوکارهای سیاست بین الملل است و می داند که روش های قراردادن یک پرونده درمسیر سیاست بین الملل به قصد گشایش فروبستگی های سیاسی آن چگونه است. آن هم درحالی که مدیر کل آژانس به ظاهر تنها به انجام وظایف حقوقی و رسیدگی به قضایای فنی ماجرا مشغول است.

اگر ایران و آمریکا از راهکار مذاکره استفاده نکرده اند، اما این روش بین ایران و اتحادیه اروپا با استقبال مواجه شده است.

اتحادیه اروپا و ایران امروز با حمایت البرادعی درحال مذاکره جامع هسته ای هستند. البرادعی حامی این مذاکره است و مذاکره ابزار یاری گر اوست، بدین معنا که ادامه مذاکره ایران و اتحادیه اروپا شرایط ایفای وظیفه ذاتی سازمان او را برای دستیابی به نتایج مشخص تر بیش از پیش فراهم می آورد.

اگر امروز، البرادعی خبر پیشنهاد لغو تحریم تکنولوژیک اتحادیه اروپا به ایران را اعلام می کند، این بدان معناست که با هدایت امور از عرصه حقوق بین الملل به سیاست بین الملل سررشته کارازدست نرفته و آژانس (بخش فنی) با مذاکره کنندگان (بخش سیاسی) کاملاً هماهنگ و هر دو از کارهم باخبر هستند.

البرادعی چندروز پیش اعلام کرد: طرف اروپایی به ایران پیشنهاد داده است که با ادامه تعلیق ازسوی ایران، تحریم های هسته ای علیه این کشور برداشته شده آنها توافق تجاری امضاکنند و به بررسی امنیت منطقه و نگرانی های ایران در قبال امنیت خودش بپردازند.

در قبال همه این گفته ها می شود گفت که اینها درحوزه مسؤولیت مستقیم البرادعی نیست، او باید بازرسی کند و گزارش دهد؛ همین و بس.

اما البرادعی، مدیری است که آگاهانه پا از دایره اختیارات بیرون می گذارد، او مدیر کوچکی نیست، ماجرای ایران را در دو بعد فنی و سیاسی تحت نظر دارد و درباره بخش سیاسی ظاهراً فقط اطلاعات خود را بازگو می کند، درست مثل کاری که این حقوقدان درمورد بخش فنی باید و انجام می دهد.

اروپایی ها و البته ایرانی ها دراین مسیر با او همکاری کرده اند، البرادعی خود را از کمک آمریکایی ها هم بی نصیب نگذاشته است و هر اتهام و ادعای آنها علیه ایران را به سرعت و دقت پیگیری کرده، اما شیوه کار او آمریکایی ها را راضی نکرده است.

البته آگاهان امور براین نظرند که این مشکل خود آمریکایی هاست که اصولاً با سیاست های جدید خود پس از ۱۱ سپتامبر با اکثر نهادهای بین المللی دچار چالش هستند.

جالب اینکه آمریکا ازجمله کشورهایی است که خواستار تغییر «کوفی عنان» از سمت دبیرکلی سازمان ملل متحد هم می باشد.

معمولاً بازرس ها با هر درجه از ابتکار و خلاقیت افراد محبوبی به حساب نمی آیند و حالا البرادعی درسال میلادی جدید باید با دوستان آمریکایی اش که کمر به برکناری او بسته اند یک مواجهه جدی اما ظریف و دیپلماتیک را سپری کند.

لابی ها ازهم اکنون فعال شده اند و رایزنی برسرمیراث البرادعی درجریان است، تا نهایی نشدن خیلی از تصمیم ها، چیزی آشکار نخواهدشد، ضمن اینکه در «وین» بیش از سایر محل ها روحیه تفاهم یا «روحیه سازمان های تخصصی » باید رعایت و نمایش داده شود، با این اوصاف، هنوز نام هیچ رقیبی مطرح نشده، اما اخبار غیررسمی حاکی از آن است که آمریکایی ها یک استرالیایی را برای جانشینی البرادعی درنظرگرفته اند، شورای حکام و مجمع عمومی آژانس بین المللی انرژی اتمی درماه مارس آتی درباره سمت مدیرکلی آژانس تصمیم خواهندگرفت.

آیا البرادعی می تواند برای سومین بار دراین مسند قرارگیرد، این را نباید بعید دانست. او درهمه امور رویکردی جمعی و جهانی دارد و به زیستن در میانه چالش های دیپلماتیک خوکرده است.

در بالای سایت اینترنتی آژانس اتمی جمله ای از البرادعی به عنوان دیدگاه او نگاشته شده است. بدین مظمون: درسی که می توان از تاریخ معاصر گرفت، آن است که رویکردجهانی به مسائل امروز و آینده، تنها رویکرد ممکن است.

یادداشت

مبارزه از مجامع دیپلماتیک تا خیابان های ۵ قاره

روزبه بوالهری

جهان دو روز دیگر ، سال ۲۰۰۴ میلادی را در حالی پشت سر می گذارد که پاپ ژان پل دوم در مراسم جشن کریسمس در روز جمعه ،دعای صلح را در واتیکان به جا آورد و ابراز امیدواری کرد که جهانیان از جنگ، اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی رهایی یابند. سال ۲۰۰۴ سالی سرشار از وقایع متضاد ، گاه تلخ وگاه شیرین بود؛ وقایعی که به سبب تبدیلش به دهکده جهانی و در هم آمیختگی عناصرش کشورهای ۵ قاره برای همگان تأثیرگذار بودند. در همین ارتباط می توان به عراق اشاره کرد که آمریکا در گرداب آن گرفتار آمده است، شیلی که می رود دیکتاتور سابق ژنرال آگوستینو پینوشه را به دست فرشته عدالت بسپارد پیش از آنکه وی از سوی ملک دوزخ مورد استقبال قرار گیرد، آمریکا که باز هم در اختیار نو محافظه کاران قرار دارد، کشورهای آفریقایی سودان و ساحل عاج که همچنان در آتش جنگ داخلی می سوزند و...

در این میان، آنچه در میان وقایع سال ۲۰۰۴ می تواند متمایز از بقیه باشد، مبارزه ای است که در عرصه روابط بین الملل در جریان است؛ نبردی که در آن از یک سو طرفداران جهان تک قطبی از سوی دیگر، مدافعان تز جهان چند قطبی قرار دارند. این مبارزه ای است که بدون استفاده از سلاح دنبال می شود، اما در همه جا از مجامع دیپلماتیک همانند سازمان ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی اتمی تا خیابانهای کشورهای اروپایی ، خاورمیانه و خاور دور، ضربان آن احساس می شود.

این مبارزه، پیشینه ای ۱۳ ساله دارد. در حقیقت از آن هنگام که اتحاد شوروی یکی از دو بازیگر جهان دو قطبی فرو پاشید و بلوک سوسیالیستی در بسیاری از نقاط برچیده شد. این رویداد عظیم تاریخی که همانند انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ جهان راتکان داده بود، لرزه ای بر ۵ قاره انداخت. اما در مورد بازیگر دیگر، آمریکا که همان زمان در جنگ خلیج فارس پیروز شده بود، یک هدف را در پیش روی خود قرار داد؛ برقراری نظم نوین جهانی. در این نظم نوین آنچه جورج بوش پدر و تیم اولیه نومحافظه کاران، هدف خود قرار داده بودند، بر پایی جهان تک قطبی بود، نه برپایی یک سازوکار دموکراتیک برای حل و فصل چالشها و سعادت و بهروزی بشریت. با شکست بوش پدر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۲ ، بسیاری گمان کردند که این ایده به بایگانی کاخ سفید، پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا سپرده شده است، اماجانشین بعدی، بیل کلینتون آن را با عبارتی دموکراتیک پی گرفت. در آن دوره، آمریکا نشان، داد که هدف به وقت خود باقیست. در این ارتباط، جنگ بوسنی و سپس کوزوو و یا حملات موشکی به افغانستان و سودان نشانگر همین موضوع بود.

با شکست «دموکراتها» در انتخابات ریاست جمهوری سال۲۰۰۰ و پیروزی جورج بوش پسر، اوضاع به همان روالی بازگشت که نومحافظه کارانی مانند «دیک چنی» و «جیمز بیکر» در زمان پدر او آرزو می کردند. رویداد خونین و تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این بهانه را به تیم جدید داد تا عریان تر از سابق سیاستهای خود را پیش ببرند. دوجنگ افغانستان وعراق، از دید آنان، فرصتی بود تا مهر واشنگتن بر جهان زده شود.

اما جریان امور آنچنان که آرزو می شد، پیش نرفت. جنبش نیرومند ضدجنگ بسیاری از شهرهای جهان رادرنوردید تا همانند فعالان ضدجهانی سازی نشان دهد که جبهه ای نانوشته و ناپیوسته عمل نمی کند. این حرکت که در سال ۲۰۰۴ ، با کمی ضعف از لحاظ کمی و نه کیفی ادامه یافت، نقش بازری در روشن کردن افکار عمومی وتأثیر گذاری بر دموکراتیک تر شدن کشورها داشت. در عین حال، این جنبش که مخالفان جنگ و طرفداران صلح، فعالان ضدجهانی سازی، سازمانهای دانشجویی، اتحادیه های کارگری و دهقانی و... را دربرمی گیرد، به نوعی، بر دولتهای کشورهایی مانند آلمان، فرانسه، اسپانیا و... تأثیر گذاشت تا حتی پس از آنکه نومحافظه کاران آمریکایی جایگاه خود را با بهره گیری از احساسات میهن پرستانه در زمان جنگ، هراساندن مردم از شبح تروریسم و مهمتر از همه، ضعف جناح مقابل حفظ کردند، این کشورها در کل مواضع خود را حفظ کنند و همچنان با جهان تک قطبی موردنظر آمریکا مخالفت ورزند.

از همین رو، می توان امیدوار بود که همکاری غیررسمی دولتهای مورد اشاره و جنبش مقاومت مردمی در سال ۲۰۰۵ آنچنان ادامه یابد که دامنه فعالیت نومحافظه کاران و متحدانشان را در انگلیس، ایتالیا و... محدود و محدودتر کند. ضمن آنکه ادامه فعالیت و گسترش آن در قاعده و سطوح میانی هم سیاسی کشورها می تواند به دموکراتیک تر شدن فضای سیاسی آنها بینجامد، موضوعی که فقط نباید به حوزه جغرافیایی خاصی محدود باشد.

بهای کریسمس

گروه بین الملل: در حالی که مردم کشورهای مسیحی روز جمعه، کریسمس را جشن گرفتند، روزنامه «ایندیپندنت» چاپ «لندن» در مطلبی تحت عنوان «بهای کریسمس» اعلام کرد که مردم انگلیس برای برگزاری جشن کریسمس در سال جاری، ۳۰ میلیارد پوند هزینه کرده اند.

ایندیپندنت در این مطلب هزینه های انگلیسی ها را با برخی از کشورهای در حال توسعه مقایسه کرده است که متن آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد:

موارد متفرقه

۴/۲ میلیارد پوند: هزینه وسایل آرایش در کریسمس

۴/۱۴ میلیارد پوند: بودجه انگلستان برای کشورهای درحال توسعه

۸۱۳ پوند مخارج هر فرد بالغ انگلیسی برای برگزاری جشن کریسمس

۵۰ پوند: درآمد سرانه هر شهروند اتیوپی

۲۰ میلیون پوند: عروسک های ربوتی مارک تیلدن که اسباب بازی پرفروش امسال بود.

۲۰ میلیون پوند: پولی که کشورهای جنوب آفریقا هر ۱۶ ساعت به کشورهای ثروتمند می پردازند.

خوراک

۷۰۰۰ کالری به طور متوسط هر انگلیسی در روز کریسمس مصرف می کند.

۷۸۰ دقیقه باید دوید تا ۷۰۰۰ کالری را سوزاند.

۷ روز که هر کودک پناهنده در «دارفور» سودان بامصرف ۷۰۰۰ کالری می تواند زنده بماند.

۱۲ پوند متوسط هزینه هر انگلیسی برای ناهار کریسمس.

۱۲ پوند مصرف ماهانه دانه های غلات برای یک خانواده در کشور مالاوی دچار خشکسالی.

۳۰ هزار و ۵۲۵ مایل مسافت برای شام کریسمس هر انگلیسی تا به سر میز او برسد. سبزیجات به تنهایی میزان ۱۵ هزار و ۸۰۰ مایل سفر می کنند.

۴ مایل که اعضای یک خانواده در کشورهای در حال توسعه روزانه می پیمایند تا به آب برسند.

سلامتی

۵ میلیون: تعداد بریتانیایی هایی که طی برگزاری جشن دچار ناراحتی های معده شدند.

۲/۱ میلیون نفر امسال در کشورهای در حال توسعه براثر بیماری اسهال کشته، شدند.

جرایم

۲۴۴ هزار خانه در دوره برگزاری جشن مورد دستبرد قرار گرفتند.

تخمین زده شد ۷۵ هزار و ۵۸ بریتانیایی، کریسمس را در زندان به سر برده اند.

۴/۲ درصد: رشد جنایت در کریسمس

محیط زیست

۸۳ کیلومتر مربع: مقدار کاغذی که برای بسته بندی در کریسمس مصرف شد «برای پوشانیدن ۳۳ هاید پارک کافی است.»

۳ میلیون تن زباله اضافی تولید شد که برای پرکردن ۱۲۰ میلیون جایگاه پلاستیکی آشغال کافی است.